

انصراف بعد از وعده‌های فریبنده

ردصلاحیت گسترده نیروهای اصلاح طلب در انتخابات و حذف نامزدهای اصلی باعث شد تا معادلات انتخاباتی اصلاح طلبان برهم بخورد.

به گزارش سایت خبری پرسون، آنها که در ابتدا بر محمدجواد ظریف به‌عنوان نامزد نهایی خود حساب ویژه‌ای باز کرده بودند با نامزد نشدن او به سمت حمایت از اسحاق جهانگیری و حتی مسعود پزشکیان رفتند که وقتی آنها نیز ردصلاحیت شدند دیگر نیروی رأی‌آوری در انتخابات برای خود ندیدند. در این میان محسن مهرعلیزاده و عبدالناصر همتی به‌عنوان دو گزینه اصلاح طلب در صحنه انتخابات باقی مانده‌اند، اما به باور عموم اصلاح طلبان اینها گزینه‌های مورد نظر اصلاح طلبان نبودند تا حدی که حتی مهرعلیزاده علی‌رغم تمام تلاش‌هایش نتوانست در لیست ۱۴ نفره نهاد اجماع‌ساز قرار بگیرد.

همتی هم که به‌عنوان یک نیروی اصیل اصلاح طلب شناخته نمی‌شود و بیشتر یک نیروی نزدیک به دولت است هرچند در گذشته پایگاه حزبی او کارگزاران سازندگی بوده است. حالا در این شرایط اصلاح طلبان باید تکلیف خود را روشن کنند که آیا می‌خواهند از میان این دو از یکی حمایت کنند یا نامزدی معرفی نمی‌کنند و به تعبیری مشارکت غیرفعال خواهند داشت؟ مشارکت غیرفعال یعنی اصلاح طلبان انتخابات را تحریم نمی‌کنند و از مخاطبان خود هم چنین انتظاری ندارند و چه بسا در انتخابات هم رأی بدهند، اما از نامزدی حمایت نمی‌کنند و برای پیروزی فرد خاصی تلاشی نمی‌کنند.

زمنه‌های مشارکت غیرفعال

تا اینجای کار آذر منصوری، سخنگوی نهاد اجماع‌ساز اصلاح طلبان یا همان جبهه اصلاحات ایران، موضع تشکیلاتی اصلاح طلبان را همان مشارکت غیرفعال معرفی کرده است. او درباره اینکه اصلاح طلبان اکنون چه خواهند کرد به «ایلنا» گفته است: «جبهه اصلاحات ایران طی بیانیه‌ای که صادر کرد و جمع‌بندی مجمع عمومی اعلام کرد که به دلیل ردصلاحیت همه نامزدهای خود در انتخابات ریاست‌جمهوری، نامزدی در این انتخابات ندارد، این موضع، موضع مشخص جبهه اصلاحات ایران است.

ما با همه تلاش‌مان برای تحقق مشارکت حداکثری در این انتخابات آمدم؛ طیف کاندیداهای ما هم به گونه‌ای بود که حداکثر انعطاف درمورد اینکه اصلاح طلبان در انتخابات مشارکت جدی داشته باشند، وجود داشت و ۹ نفر کاندیدایی که از ۱۴ نفر باقی ماندند، ثبت نام کردند. طبیعی است که زمانی که یک جریان سیاسی در قالب یک جبهه سیاسی در انتخابات حضور پیدا می‌کند و به این جمع‌بندی می‌رسد و در نهایت با دست خالی مواجه می‌شود، عملاً امکانی برای مشارکت فعال آن در انتخابات باقی نمی‌ماند و وقتی که نامزدی نداشته باشد، نمی‌تواند نامزد قرض کند». منصوری همچنین درباره رویکرد اصلاح طلبان در این انتخابات که مشارکت حداکثری بود، بیان کرد: «از حدود یک سال پیش جبهه اصلاحات ایران فعالیت خود را آغاز کرده و سازوکارهای خود را تعریف کرده و براساس سازوکارها یا اعلام کاندیدها یا دبیران کل احزاب، تعداد نامزدها مشخص شد و براساس آن جلو رفتیم؛ رویکرد ما مشارکت حداکثری بود اما با تصمیمی که شورای نگهبان گرفت عملاً این موقعیت جدید به ما تحمیل شد.

موقعیتی که دست ما را از معرفی نامزد خالی کرده است. ترجیح ما این بود که ما می‌توانستیم نامزد داشته باشیم، پیش‌بینی کرده بودیم که تعدادی از نامزدها تأیید صلاحیت می‌شوند، نظرسنجی‌های ملی را برگزار می‌کنیم و سپس بر مبنای نظرسنجی‌های ملی کاندیداهایی را که بیشترین استقبال از جانب مردم با آنها همراه شده، به‌عنوان کاندیداهای خود معرفی می‌کنیم اما طبیعی است که در یک روند کاملاً تعریف‌شده موضع ما این است که امکان معرفی نامزد از جانب جبهه اصلاحات ایران سلب شده است.»

محمود صادقی، به‌عنوان یکی از اعضای نهاد اجماع‌ساز هم درباره شرایط محسن مهرعلیزاده گفته است: «مهرعلیزاده تلاش زیادی کرد که در لیست کاندیداهای اصلاح طلبان قرار بگیرد، اما حتی نتوانست در لیست اولیه اصلاح طلبان حضور پیدا کند. از همین رو نمی‌تواند روی پایگاه رأی اصلاح طلبان حسابی باز کند. اصلاح طلبان نیز در بیانیه‌ای رسماً اعلام کردند که کاندیدایی در این دوره ندارند». سعید حجاریان اما پا را فراتر از این مواضع گذاشته و در توییت خود نوشت: «اصلاح طلبان هم دیگر در شطرنج سیاسی‌ای که حین انجام، برقرش قطع شود، شرکت نمی‌کنند». موضع حجاریان البته بیشتر به تحریم نزدیک است تا آنچه جبهه اصلاحات ایران مبنی بر مشارکت غیرفعال مطرح می‌کند.

زمنه‌های حمایت از همتی از سوی کارگزاران

اما به موازات چنین دیدگاه‌هایی برخی باور دارند هنوز می‌شود از میان همین دو گزینه یکی را برگزید و مشخصاً گفته می‌شود که حزب کارگزاران سازندگی به حمایت از همتی بی‌تمایل نیست. غلامحسین کرباسچی بعد از اعلام نتایج بررسی صلاحیت‌ها درباره همتی گفت: «آقای همتی نیروی خوبی است، منتها ما نمی‌دانیم ایشان آمادگی ماندن در صحنه و کارکردن در این شرایط را دارد یا خیر؟ و این را باید بررسی کنیم. ما براساس اینکه ایشان به کارگزاران می‌آید یا نمی‌آید، درمورد آقای همتی بحث نمی‌کنیم. ایشان عضو کارگزاران بوده و هیچ وقت هم استعفا نداده‌اند اما برای ما مسئله اصلی کشور، کارآمدی و حل مشکلات مردم است، باید ببینیم که ایشان در این زمینه چه اندازه می‌تواند کار کند و چه برنامه کاری در این حوزه دارد. البته اصل این موضوع باید در جبهه اصلاح طلبان بررسی شود و بعد درباره آن اعلام نظر صورت گیرد.»

علی محمد نمازی، یکی از اعضای کارگزاران، صریح‌تر از کرباسچی اعلام موضع کرده و در گفت‌وگو با «مثلت آنلاین» گفته است: «آقای همتی در جلسه‌ای

که با جبهه اصلاحات داشته است خوب برنامه‌ها را توضیح داده است. اخیراً هم با اقتصاددان‌ها جلسه داشته که آنها هم راضی بودند. تعلق سیاسی او هم کارگزاران بوده است و گرچه چند سال از حزب کارگزاران به دلیل مشغله‌اش فاصله گرفت، اما به‌رحال او یک کارگزارانی و اصلاح‌طلب است. در واقع به صراحت می‌شود گفت که آقای همتی متعلق به کارگزاران است».

او رسماً هم اعلام کرد که اگر نهاد اجماع‌ساز (جبهه اصلاحات ایران) تصمیم به عدم ارائه نامزد در انتخابات بگیرد، کارگزاران سازندگی مستقلاً تصمیم می‌گیرد: «اگر نهاد اجماع‌ساز تصمیم به عدم مشارکت و عدم ارائه نامزد واحد کند، در آن صورت حزب کارگزاران در شورای مرکزی خود تصمیم‌گیری می‌کند، زیرا کارگزاران همیشه باور دارد نباید صحنه انتخابات را ترک کرد».

علی صوفی هم باور دارد که همتی از سوی حزب کارگزاران حمایت می‌شود: «در حال حاضر بین کسانی که معرفی شدند هنوز آقای همتی و مهرعلیزاده اصلاح‌طلب هستند. این دو نفر متعلق به جریان اصلاحات هستند، مخصوصاً آقای همتی که عضو حزب کارگزاران است و به نظر نمی‌آید این حزب در حال حاضر از رد آقایان جهانگیری و هاشمی ناراحت باشد. چه بسا که کاندیدای اصلی‌شان هم آقای همتی باشد... آقای همتی کاندیدای مشترک حزب اعتدال و توسعه و کارگزاران است».

صادق جوادی‌حسار هم هم‌نظر با صوفی است و به «باشگاه خبرنگاران جوان» گفته است: «اطلاع دارم که برخی از دوستان جبهه اصلاحات به‌ویژه در کارگزاران سازندگی در آشکار و نهان بی‌میل به حمایت از همتی نیستند اما در اردوگاه اصلاح‌طلبان بین مهرعلیزاده و آقای همتی حتماً مهرعلیزاده شهرت بیشتری در اصلاح‌طلبی داشته و مردم او را بیشتر به‌عنوان یک فرد اصلاح‌طلب می‌شناسند؛ دلیل عمده این موضوع هم این است که او در دولت اصلاحات هم استاندار، هم معاون رئیس‌جمهور و هم رئیس سازمان تربیت بدنی بوده است و در این حوزه هم عملکرد کم‌تنشی داشته است که همه اینها می‌تواند نقطه قوت او باشد، اما همه این موضوعات به تصمیم رئیس دولت اصلاحات بازمی‌گردد، اگر او از مهرعلیزاده دفاع کند و بخواهد که اصلاح‌طلبان به او توجه کنند یا دست‌کم ضد او کاری نکنند حداقل می‌تواند بخشی از اصلاح‌طلبانی را که تمایل به حضور در انتخابات دارند نمایندگی کند». حالا باید دید که در نهایت اصلاح‌طلبان چه تصمیمی می‌گیرند و آیا تصمیم آنها به حمایت از یکی، دو نامزد اصلاح‌طلب یعنی مهرعلیزاده و همتی می‌تواند سرمایه اجتماعی جبهه اصلاحات را قانع به مشارکت در انتخابات کند یا خیر؟ و در روش دوم، یعنی عدم ارائه نامزد انتخاباتی، سرنوشت آینده سیاسی اصلاح‌طلبان چه می‌شود؟

منبع: شرق